

سلام آقای شهبازی عزیز ♥

خدایا قوت بده به شما و همکاران، همیاران، کودکان، جوانان و گروه هایی که این برنامه رو پشتیبانی میکنند.

نباشد عیب پرسیدن، تو را خانه کجا باشد

نشانی ده اگر یابیم و آن اقبال ما باشد

-مولوی، دیوان شمس، غزل 567

در برنامه ۹۵۶ شما فرمودید: تنها سوالی که از آن منع نشدیم و عیبی ندارد و به تبدیل شدن ما از هشیاری جسمی به هشیاری حضور کمک میکند، این سوال است. که خدایا خانه تو کجاست!؟

در سؤال بمانید و نخواهید جواب ذهنی به سوال بدهید. هر جواب ذهنی ما را بیشتر اسیر ذهن میکند؛ وقتی نشانه ای از یار بر تو آشکار شود و تو آن اقبال را موقعی بدست می‌آوری که نشان را مانند گنجی پیش خودت نگه داری به هیچ وجه از دست ندهی.

سوال این است من کی هستم؟ سه تا نقطه بزاری خدا این جواب رو برات پر می کنه. البته به منزله این نیست که با مرکز همانیده این سوال رو از خودت بکنی و منتظر جواب خدا باشی. من هم این سوال رو دیروز از خودم کردم و فقط از خدا خواستم نشانه اون رو برام بفرسته و من هم از اون نشانه پاسبانی کنم و مدام اون رو مد نظر خودم داشته باشم.

با وجود اینکه بارها و بارها نشانه هایی از طرفش به من رسید، ولی من از اون نشانه ها خوب نگهداری نکردم و به فراموشی سپردم. انشالله که این نشانه رو خوب نگه دارم و مثل گنج ارزش محافظت کنم. به موقع ارزش استفاده کنم. امروز که داشتم به گذشته و آینده میرفتم به من این نشانه رسید.

نفخت فیه من روحی رسیدهست

غم بیش و غم کم را رها کن

-مولوی، دیوان شمس، غزل ۱۹۰۵

بارها وقتی دیگران رو خبر و سنی میکردم این پیام یا نشانه ای از خدا برام فرستاده می‌شد؛ ولی من یا به آن توجه نمی‌کردم یا اگه توجه میکردم، بعد از مدتی از یادم می رفت.

تا کنی مر غیر را خبر و سنی

خویش را بدخو و خالی می‌کنی

-مثنوی، مولوی، دفتر پنجم، بیت ۳۱۹۶

مردۀ خود را رها کرده ست او

مردۀ بیگانه را جوید رفو

-مثنوی، مولوی، دفتر دوم، بیت ۱۵۱

دیده آ بر دیگران نوحه گری

مدتی بنشین و بر خود می گری

- مثنوی، مولوی، دفتر دوم، بیت 479

در گوی و در چهی ای قلتبان

دست وادار از سبال دیگران

-مولوی، مثنوی، دفتر سوم، بیت ۲۲۳۵

دوستدار همیشگی شما و گنج حضوری ها سوری (بندر انزلی) از اصفهان